

«بر بلندای زاگرس» اثر فرزانه حیدریان منتشر شد

یات

ان و جهان پی گرفتیم

فصل‌ها در ادبیات تبدیل شود. در ادامه خواندن این هشت اثر با درونمایه‌های پاییزی را به شما پیشنهاد می‌کنیم.

۱. ترغیب

ترغیب (Persuasion)آخرین رمان جین آستین (۱۸۱۸)، داستانی عاشقانه و تأمل‌برانگیز است که با فضای پاییز هم‌خوانی عمیقی دارد. آن البوت، زنی ۲۷ ساله، با پیشیمانی از رد پیشنهاد ازدواج کاپیتان ونتورث در جوانی، در فضایی از تأمل و حسرت به‌سرمی‌برد. پاییز با رنگ‌های گرم و برگ‌های فروافتاده، به‌مثابه‌استعاره‌ای از گذر زمان و بلوغ عاطفی آن عمل می‌کند. مناظر روستایی انگلستان در رمان با توصیفاتی از طبیعت که یادآور خزان است، حس نوستالژی و تغییر را تقویت می‌کند. فضای پاییزی رمان، با ملانکولی ظریف و امید به تجدید، با داستان عشق دوباره آن و ونتورث همخوان است. پاییز، فصل تحول و پذیرش، بازتاب‌دهنده سفر آن از تردید به شجاعت برای دنبال کردن قلبش است. نقد آستین به هنجارهای اجتماعی و تأکید بر خودآگاهی نیز در این فضای تغزلی پاییزی برجسته‌تر می‌شود. ترغیب با حس‌وحال پاییزی‌اش، خواننده را به تأمل در عشق، پیشیمانی و فرصت‌های تازه دعوت می‌کند، گویی در نسیم خنک پاییز غوطه‌ور است.

۲. بلندی‌های بادگیر

«بلندی‌های بادگیر» (Wuthering Heights) رمان تک‌نویس امیلی برونته (۱۸۴۷)، داستانی پرشور و تاریک از عشق، انتقام و تضادهای انسانی است که با فضای پاییز پیوند عمیقی دارد. داستان در دشت‌های باتلاقی و وحشی یوکشاایر رخ می‌دهد؛ جایی که بادهای خشن و مناظر خزان‌زده، حال‌وهوایی غم‌انگیز و مرموز خلق می‌کنند. پاییز، با رنگ‌های تیره و برگ‌ریزان، بازتاب‌دهنده عشق پرتلاطم و ویرانگر هیث‌کلیف و کاترین است. فضای پاییزی رمان، با طوفان‌ها

ف علم‌ی کشور، زنده‌یاد حسینعلی البرز

برخی مفاهیم رانمی‌توان اندازه گرفت؛ مفاهیمی مانند بهره‌گیری از علم که گاه به مفهوم بی‌نهایت پیوند می‌خورد. «وی افزود: «بی‌نهایت مفهومی سنگین و شگفت‌انگیز است؛ نمی‌توان فهمید اگر از بی‌نهایت، بی‌نهایت برداریم، چه می‌ماند؛ شاید صفر، شاید بی‌نهایت. این همان معنایی است که به تعبیر مرحوم آیت‌الله طالقانی در تفسیر قرآن، به پرسش خداوند از انسان درباره استعداد‌های از دست‌رفته اشاره دارد. خوش‌به‌حال مرحوم البرز که می‌تواند در پاسخ بگوید: نگذاشتم استعدادها از بین بروند.»

مدیرکل تکریم و الگوسازی نخبگان ایران در ادامه با اشاره به روند تألیف کتاب «بلندای البرز» گفت: «در بنیاد ملی نخبگان تلاش کردیم زندگی و دستاوردهای

رمان «بر بلندای زاگرس» نخستین اثر فرزانه حیدریان است که توسط انتشارات دالاھو به بازار کتاب عرضه شده است، با زبانی روان و روایتی تاریخی، مخاطب را به دل وقایع ایران از دوران مظفرالدین‌شاه تا جنگ جهانی اول می‌برد و در قالب داستانی پرکشش، زندگی وتحولات مردمان غرب ایران را بازمی‌نماید. این رمان، به شرح اوضاع و احوال مردم منطقه کردنشین کرمانشاه می‌برد، گویی در نسیم سرد خزان غرق شده است.

۳. گذشته رازآمیز

«گذشته رازآمیز» (The Secret History) رمان برجسته دونا تارت (۱۹۹۲)، کاوشی نفس‌گیر در مرزهای اخلاق، زیبایی‌ی تاریکی انسانی است. راوی، ریچارد پابین، دانشجوی تازه‌وارد کالج همپدن، به گروهی نخبه‌از دانش‌جویان کلاسیک می‌پیوندد؛ هنری، بانی، چارلز، کامیلا و فرانسیس، تحت هدایت استاد جولین، شیفته فرهنگ یونان باستان، آنها در پی بازآفرینی آیین‌های باستانی برمی‌خیزند – مراسمی که به ترازدی‌ای مرگبار ختم می‌شود. قتل بانی، نه از سر کینه، بلکه از وحشت و حفظ راز، زنجیره‌ای از دروغ‌ها و پیشیمانی‌ها را رقم می‌زند. تارت با نثری غنی و پر جزئیات، جو دانشگاهی را به تصویری متنوعه، دوگانگی زیبایی و وحشت، و فروپاشی دوستی - یادآور اسطوره‌های یونانی است. برخلاف روایت‌های معمایی معمول، تارت از ابتدا قتل را فاش می‌کند و تمرکز را بر «چراپی» می‌گذارد و خواننده را به عمق روان شخصیت‌ها می‌کشاند. این اثر، تحسین منتقدان را برانگیخت و به رمانی پر فروش و ماندگار تبدیل شد؛ اثباتی بر قدرت قصه‌گویی تارت در بررسی شکنجگی هویت و عواقب جاه‌طلبی.

۴. خاما

رمان «خاما» نوشته یوسف علیخانی، با محوریت روستای «میلک» در منطقه الموت، نه تنها روایتی عمیق از زندگی و دغدغه‌های زنانه در بستر بومی ارائه می‌دهد، بلکه فضای پاییز نقشی کلیدی و استعاری در تار و پود آن ایفا می‌کند. پاییز در این داستان، صرفاً یک فصل طبیعی نیست؛ بلکه همراه و هم‌زبانی برای «خاما» و تجلی‌گاه رنج‌ها، تنهایی‌ها و امیدهای پنهان اوست. علیخانی با زبانی ملموس و دقیق، پاییزی را به تصویر می‌کشد که خشک و سرد اما پر از رنگ و زیبایی‌های محزون است. این فصل، آینه‌ای برای حالات درونی خاما، شخصیت اصلی رمان می‌شود. ریزش برگ‌ها، نمادی برای از دست‌دادن‌ها و پایان دوره‌هاست اما در عین حال، نویددهنده

و تا حدودی ایلام و همدان می‌پردازد. رمان، روایت جوان ۱۸ساله‌ای از منطقه کامیاران است که بنابر دلایلی از منطقه خود خارج و وارد کرمانشاه می‌شود و حوادثی برای او از این زمان اتفاق می‌افتد. طی این حوادث او به پختگی می‌رسد و رشد و تعالی پیدا می‌کند. رمان از حیث تاریخی، از دوران مظفرالدین‌شاه آغاز می‌شود و حوادثی را که منجر به پذیرش مشروطه می‌شود

آمادگی برای روشیی دوباره است. فضای پاییز به روایت، عمق و حس نوستالژیک می‌بخشد و خواننده را با طبیعت سختگیر اما زیبای الموت و روح سرسخت و صبور خاما پیوند می‌زند. این پیوند، «خاما» را به داستانی با اتمسفری خاص و فراموش‌نشدنی تبدیل می‌کند که عطر خاک و برگ‌های پاییزی را به مشام خواننده می‌رساند.

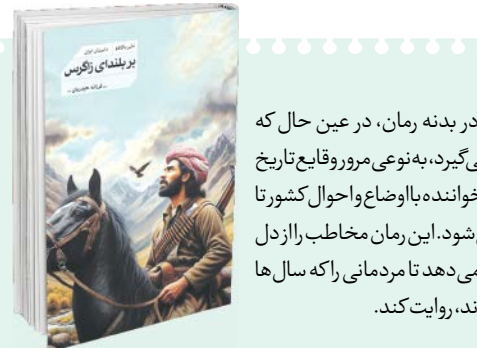
۵. پاییز، فصل آخر سال است

رمان «پاییز فصل آخر سال است» نوشته نسیم مرعشی، با سه راوی زن و سه داستان موازی، به شکلی هنرمندانه، پاییز را نه صرفاً به‌عنوان یک فصل، بلکه به‌عنوان زمانی برای تحول، مرور و مواجهه با انتخاب‌های دشوار به تصویر می‌کشد. در این رمان، پاییز بستر و کاتالیزوری برای بحران‌ها و دگرگونی‌های درونی شخصیت‌هاست. برخلاف نگاه به پاییز به‌عنوان فصل ازدست‌دادن‌ها، مرعشی پاییز را فصل تصمیم‌گیری و گسست نشان می‌دهد. برگ‌ریزان، نمادی از رهاکردن آنچه‌که دیگر نمی‌توان نگه‌داشت، و سرمای هوا، بازتاب‌دهنده سردی روابط یا تصمیم‌های قاطعانه است. سه شخصیت اصلی در آستانه تغییرات بزرگ زندگی‌شان (مهاجرت، عشق و ازدواج) قرار دارند و این تحولات در متن یک پاییز سرد و درعین حال پربرنگ اتفاق می‌افتد. پاییز در اینجا، فصلی برای تأمل، بازنگری در گذشته و آماده‌شدن برای فصلی جدید از زندگی است. مرعشی با این انتخاب فصلی، به داستان خود عمق و معنایی استعاری بیشتری بخشیده و آن را به اثری تأثیرگذار در زمینه روایت انسانی و خودشناسی تبدیل کرده است.

۶. سووشون

رمان «سووشون» اثر ماندگار سیمین دانشور، با آن‌که عمدتاً در گرمای جنوب و در بسترِی از حوادث سیاسی ـ اجتماعی دهه‌های ۱۳۲۰ رخ می‌دهد اما می‌توان ارتباطی عمیق میان فضای استعاری پاییز و سرنوشت «زری» و «یوسف»، شخصیت‌های اصلی، متصور شد. پاییز در اینجا نه یک فصل آب‌وهوایی غالب، بلکه تمثیلی از افول، از دست‌دادن، و رنگ باختن امیدهاست. زندگی زری و یوسف، در کشاکش حوادث تلخ و ناامنی‌ها، به‌نوعی پاییز خود را تجربه می‌کند. شادی‌ها و آرامش‌ها کم‌رنگ می‌شوند، همچون برگ‌هایی که رنگ می‌بازند و می‌ریزند. مرگ یوسف، اوج این پاییز غم‌انگیز است؛ نقطه‌فروپاشی آرمان‌ها و پایان یک دوره از زندگی برای زری. بااین حال، همانند پاییزی که در پس خود وعده رستمان و سپس بهار را دارد، زری نیز پس از این فقدان بزرگ، در بستر ناامیدی، به‌سوی آگاهی و مقاومت گام برمی‌دارد. پاییز در سووشون، فصلی از اضمحلال و

دربرمی‌گیرد. با پیشرفت روایت در بدنه رمان، در عین حال که خواننده ماجرای داستان را پی می‌گیرد، به‌نوعی مرور وقایع تاریخ معاصر ایران نیز تحقق می‌یابد و خواننده با اوضاع و احوال کشور تا دوران جنگ جهانی اول آشنا می‌شود. این رمان مخاطب را از دل دالان‌های تودرتوی تاریخ عبور می‌دهد تا مردمانی را که سال‌ها پیش در این سرزمین می‌زیسته‌اند، روایت کند.



سپس بذریاشی برای بیداری است که از طریق رنج‌های زری به مخاطب منتقل می‌شود. این استعاره، به عمق درام و پیام اجتماعی رمان می‌افزاید.

۷. کافه خیابان کوفته

در رمان «کافه خیابان کوفته» نوشته حمیدرضا شاه‌آبادی، پاییز نه فقط یک فصل، بلکه بستری نوستالژیک و رازآلود برای بازخوانی گذشته و کشف حقیقت است. داستان که در تهران دهه‌های دور و در فضایی شهری می‌گذرد، با حال‌وهوای پاییزی، حسی از گذر زمان، خاطره‌بازی و غربت را به خواننده القا می‌کند. شاه‌آبادی از پاییز برای ایجاد اتمسفر ملایم و دلگیر استفاده می‌کند که به عمق بخشی به درونمایه داستان کمک شایانی می‌کند. برگ‌ریزان، نمادی از فروریختن لایه‌های حقیقت و کنارفتن پرده‌ها از روی رازهای گذشته است. قهرمان داستان، در جست‌وجوی گمشده‌ای در میان کافه‌های قدیمی و خیابان‌های خاطره‌انگیز، در متنی از هوای خنک، بوی برگ‌های خزان‌زده و نور کم‌رَمق خورشید پاییزی، خود را غرق می‌کند. این پاییز، فصل مکاشفه و رمزگشایی است؛ زمانی که شهر، با همه کافه‌ها و خیابان‌هایش، در سکوت و آرامش پاییزی، اسرار گذشته را فاش می‌سازد. کافه خیابان کوفته با این فضای پاییزی، داستانی عمیق و پرکشش در بستر تاریخ و معمای شهری را روایت می‌کند.

۸. مدیر مدرسه

«مدیر مدرسه» جلال آل احمد، روایتی است از تقابل آرمان‌های یک روشنفکر با واقعیت‌های خشن جامعه. فضای پاییزی، با خش خش برگ‌ها و هوای گرفته‌اش، به خوبی حال‌وهوای داستان را تکمیل می‌کند. پاییز، با رنگ‌های زرد و نارنجی و سایه‌های بلند غروب، نمادی از گذرا بودن و افول است که با خستگی مدیر از سیستم آموزشی معیوب و رویاهای رنگ باخته‌اش همخوانی دارد. آل احمد با نثری روان و طنزی گزنده، ناکارآمدی نظام آموزشی و بی‌تفاوتی جامعه را به تصویر می‌کشد. پاییز در این داستان، فراتر از یک فصل، استعاره‌ای از بحران درونی مدیر است؛ او در میانه تلاش برای اصلاح و پذیرش شکست سرگردان است. با این حال، پاییز تنها نماد زوال نیست؛ چرخه طبیعت آن نوید باززایی نیز می‌دهد، گویی امیدی پنهان برای تغییر در دل داستان وجود دارد. این فصل، از تضاد میان زیبایی بصری و حسرت درونی، به شخصیت مدیر عمق می‌بخشد و مبارزه او با ناکامی‌های اجتماعی را برجسته می‌کند. مدیر مدرسه با این فضای پاییزی، تأملی است بر چالش‌های اصلاح در جامعه‌ای مقاوم به تغییر.

خلاصت، والا ترین صفت الهی در انسان است.» در پایان، سرامی با اشاره به باورهای کهن ایران پیش از زرتشت گفت: «در آیین زُرّوانی، زمان خالق روز و شب است؛ زیرا اِشدا، لازمه آفرینش اند.» او افزود: «فردوسی نیز می‌گوید: جهان بان جهان را ز جفت آفرید، یعنی از پیوند جان و خرد، جهان معنا می‌گیرد. باشد که مانیز چون البرز از خاک برآییم و به روشنایی نیکی برسیم.» همچنین سیدحسین فاطمی، رئیس انجمن علمی متخصصان علوم آزمایشگاهی بالینی ایران و برگزیده سال ۱۳۴۴ جایزه البرز، با قدردانی از هیات مدیره بنیاد البرز گفت که تلاش‌های این بنیاد در حمایت از نخبگان و ترویج علم بسیار ارزشمند است. او افزود که چند سال پیش به تاسی از حرکت نیکوی مرحوم البرز، اقدام به تهیه لوازم التحریر برای دانش آموزان بی بضاعت و توزیع بن کشش درایم عید برای کودکان نیازمند کرده‌اند تا یاد و راه حسینعلی البرز که برای اعتلای علم کوشید، زنده بماند.

ضرب بگیرد؛ خوشبختانه در سال‌های اخیر این توجه افزایش یافته است. استاد جواد محقق همدانی عزیز نیز خود از جمله همین مفاخر هستند. ما حدود پنج سال پیش گفت‌وگویی مفصل با ایشان انجام دادیم که حاصلش کتابی ۵۰۰ صفحه‌ای شد اما ایشان هنوز اجازه انتشار نداشته‌اند. امیدوارم با سفارش آقای خاموشی این اثر نیز رونمایی شود، به‌ویژه که پدر بزرگوار آقای محقق نیز از روحانیون گران قدر این کشور بوده‌اند.» قریبی با تأکید بر اهمیت پرداختن به تاریخ شفاهی و زندگینامه‌نویسی در سال‌های اخیر گفت: «به هر حال، مستند یعنی سخن گفتن با سند. کاش در کنار زندگی‌نامه مکتوب و مستند، یک مستند تصویری هم از این شخصیت ساخته شود. به‌نظر من اگر در کنار این کتاب، روایت‌تصویری هم قرار بگیرد، کار کامل‌تر خواهد شد.» وی در ادامه با اشاره به نثر اثر افزود: «نثر کتاب بسیار سلیس، خوشخوان و در بسیاری از بخش‌ها صمیمی است. هرچند نویسنده به فضای رسمی شخصیت مرحوم البرز و ویژگی‌های رفتاری او اشاره می‌کند اما لحن روایت صمیمانه و روان است. من بخش‌هایی از کتاب را علامت‌گذاری کرده‌ام البته به‌راي جلوگیری از اطاله جلسه فقط همین را می‌گویم که نثر اثر واقعا دل‌نشین است.»

